

بررسی بر مجمع الفوائد از غلام همدانی مصحفی

A Study on Majam-al-Fawa'id by Ghulam Hamdani Mushafi

Iqra Saleem

PhD Scholar (Persian), University of the Punjab, Lahore - Pakistan

Iqrarana738@gmail.com

Prof. Dr. Muhammad Sabir

Department of Persian, University of the Punjab, Lahore

sabir.persian@pu.edu.pk

Abstract:

Ghulam Ali Hamdani Mushafi was a classical and ancient Urdu and Persian poet and writer. He was born in 1748AD in Amroha, Uttar Pradesh and died in 1824 in Lucknow, Uttar Pradesh, India. After Mir Taqi Mir, Mushafi is the highest in Urdu poetry as a whole. In his poetry, vitality, youth, color, and form are described in a perfect way. Mushafi gained the power to describe chaos and disorder, suffering, pain, love, and especially the diversity and experiences of love in his poetry. All this background becomes clear in his speech. Mushafi's poetry has depicted the chaos and sufferings of his era in essays, poems, ghazals, and other genres. Majma-al-Fawa'id is a very beautiful manuscript of Ghulam Ali Hamdani Mushafi, consisting of Persian and Arabic poetry and prose, which is available in the Punjab University Central Library, Lahore. There is only one manuscript of Majma-al-Fawa'id and the importance of this manuscript is that it gives us an insight into the life of Mushafi, which is not available anywhere else. Mushafi has collected all that was left of his poetry and named it Majma-al-Fawa'id. Colorful topics can be seen in Majma-al-Fawa'id. It also includes a few of Magazines of Mushafi. By reading it, we can get an idea of Mushafi's ability in Persian language, how Mushafi has written on various topics in simple and easy words, and Mushafi's temperament can also be gauged from it, and this book also reveals his knowledge and grace.

Keywords:

Mushafi Hamdani, Majma-ul-Fawa'id, Amroha, Dehli, Urdu and Persian Literature, Arabic Prosody, Punjab University

غلام علی مصحفی همدانی (ز: ۱۱۶۰-۱۲۴۰ق-۱۷۴۷-۱۸۲۴م) از یک خانواده راجپوت بود- پدر مورث اعلی وی شیخ بزرگ نظام الدین بود، وی اولین کسی بود که در نسل دوازدهم به اسلام گروید- مصحفی در تاثیرش مجمع الفوائد، نوشته است که مرقد سنگین شیخ نظام در اکبر پور هندوستان فعلی نزد رودخانه جمنا واقع است- (۱) اسم پدر مصحفی ولی محمد و پدر بزرگ وی درویش محمد بود- مرقد درویش محمد در شهر امروده، اترپردیش، هندوستان بود- این ثابت می کند که حداقل از زمان پدر بزرگش با امروده مرتبط بودند- این خانواده از زمان باستان در اکبرپور ساکن بودند که میان موضع منجهاولی و شیخ پور نزد رودخانه جمنا وجود دارد و متصل به شاه جهان آباد است- قدرت الله قاسمی او را از "مردم بیرو نجات" نوشته است- شغل خانواده خدمت گاری بود- مصحفی خود نوشته است که بزرگانش نوکری خانه پادشاه کرده اند از ایامی که تفرقه شدیدی در سلطنت راه یافته، سلطنت خانه این رو سیاه هم خاک برابر شد، همه از تمتع دنیا بهره وافی داشتند- (۲)

روح تحقیق، جلد ۳، شماره ۳، مسلسل شماره: ۱۰، اکتوبر-دسمبر ۲۰۲۵ء

مجمع الفوائد مجموعه کامل و ناقص متفرق نظم و نثر عربی و فارسی است که تا حال غیر مطبوعه است- مشتمل بر نسخه فرد که در کتاب خانه مرکزی دانش گاه، پنجاب لاهور در مجموعه کیفی وجود دارد- این نسخه مملوکه پندت برج موهن دتا تریه کیفی دهلوی بود وی آن را به دانش گاه، پنجاب، لاهور داده بود- عکسی این نسخه گروه تحقیقات عربی و فارسی، پتنه هم گرفته بود- دکتر عطا کاکوی چند تا بخش مجمع الفوائد که احوال زندگی مصحفی را بیان می کنند، در رساله مشموله معاصر پتنه (بخش ۱۲) بیان کرده بود-

مصحفی درباره وجه تالیف مجمع الفوائد نوشته است:

چون بعض مسایل غریبه و غیر غریبه بر پاره ای کاغذ متفرقه وابسته های مسودات منظوم هندی و فارسی معطل افتاده بودند، خواستم که آن جملگی را پیرایه به ترتیب داده، برای مطالعه دوستان گلستان تازه از خار نوک قلم برانگیزم و آبروی لفظ و معنی را که فواید کثیر در آن متصور است- از باد دامن استغنای طبع بر خاک نریزم- چون چنین قرار یافت، هر چه از تصنیفات من ناتمام مانده بود، چه نظم و چه نثر، چه عربی و چه فارسی، در این جلد آخر در آورده، این کتاب را مجمع الفوائد موسوم ساختم- (۳)

مصحفی مجموعه ای بدون ترتیب خاصی، گرد آوری کرده و مجمع الفوائد نام گذاشته است-

در تعیین دوره تحول مجمع الفوائد، می توان از دو گفته مصحفی استفاده کرد- نخست، در ریاض الفصحا (دوره تکمیل: ۱۲۳۶ق- ۱۸۲۱م) مصحفی نوشته است:

احوال وحسب نسیم از کتاب مجمع الفوائد معلوم نمایی- (۴)

این نشان می دهد که وی مجمع الفوائد را پیش از سال ۱۲۳۶ق- ۱۸۲۱م گرد آوری کرده است- وی اشاره دیگر خود در این کتاب کرده است:

عرصه سی سال بلکه زیاده می گذرد که به لکهنو قیام دارم- (۵)

دکتر جمیل جالبی نوشته است که مصحفی در سال ۱۱۹۸ق به لکهنو آمده بود و سپس همان جا زندگی کرد- اگر سی سال یا بیش از این مراد باشد، گویا

۱۱۹۸+۳۱=۱۲۲۹ق سال ترتیب و تالیف مجمع الفوائد می توان متعین شود- (۶)

نسخه خطی مجمع الفوائد، از نسخه خطی بزرگی کلیات مصحفی است به شمار kui vi

80/2426 اندازه برگ ۲۵x۲۸cm است و هر برگ ۳۵ سطر درج اند- این نسخه مشتمل بر ۵۵ صفحه است- خط این نسخه خط نستعلیق است- این نسخه در قرن سیزدهم نوشته شد-

آغاز این از صفحه ۳۲۳ که بر آن رساله نثرها و غیره در فارسی میان مصحفی سلمی نوشته شده است- موضوعاتی که مصحفی در مجمع الفوائد اظهار خیال نموده، به قرار زیر اند:

وجه تالیف:

مصحفی در آغاز این نسخه خطی گفته است که هر چه از تصنیفات من ناتمام مانده بود، چه نظم و چه نثر، چه عربی و چه فارسی درین جلد آخر در آورده، این کتاب را مجمع الفوائد موسوم ساختم (ص ۳۲۳)

مضامین عربی:

مصحفی علم عربی آموخته بود و بر عرض رساله عروض در این کتاب نوشته است (۳۲۴-۳۲۵ص)

اقسام علوم:

مصحفی می گوید علم آداب دوازده است-

۱. علم لغت
۲. علم اشتقاق
۳. علم صرف
۴. علم نجوم
۵. علم رسم الخط و الكتابت
۶. علم فصاحت و بلاغت (سه فن دادر)
 - فن معانی
 - فن بیان
 - فن صنایع و بدایع (علم محسنات نیز می گویند)
۷. علم محاضرات و تاریخ گوئی و نوادر مثال
۸. علم قرض الشعر
۹. انشای نثر
۱۰. علم عروض
۱۱. علم قوافی
۱۲. علم معما و نغز (ص ۳۲۵) بعد انواع علوم چند تا سطرها به زبان عربی و سپس می گوید:
"عرض محتاج جوهرات و جوهر است و جوهر محتاج عرض نیست" (ص ۳۲۵)

اصول علم ریاضی:

مصحفی گفته است علم ریاضی چهار است:

- (۱) علم هیئت
- (۲) علم هندسه
- (۳) علم عدد (علم حساب در این داخل است)
- (۴) علم تالیف (ص ۳۲۶)

اصول علم الهی:

نزد مصحفی اصول علم الهی سه است:

- (۱) امور عامه
- (۲) معرفت ذات و صفات باری تعالی
- (۳) علم عقول و نفوس (ص ۳۲۶)

(۴) اصول علم طبیعی:

به نظر مصحفی علم طبیعی هشت اند که به قرار زیر اند:

(۱) مایع الاجسام

(۲) فلکیات

(۳) عنصریات (آن را علم کون و فساد نیز می گویند)

(۴) علم کاینات

(۵) علم معدنیات

(۶) علم نباتات (ص ۳۲۶)

فروع ریاضی:

درباره این چند تا فروع شمرده است-

(۱) شعبده

(۲) نیرنحات

(۳) طلسمات

(۴) علم تکثیر

(۵) تعویذات

(۶) تعبیر خواب

(۷) علم تسخیر کواکب

(۸) علم خواص الاعداد

(۹) علم عمارت

(۱۰) سیاق

(۱۱) علم نجاری

(۱۲) علم خدادی

(۱۳) علم ساعت

(۱۴) علم اضطراب

(۱۵) علم زیج

(۱۶) علم حبل

(۱۷) علم مناظره و مرایا

(۱۸) علم برائثقال

(۱۹) علم خط

(۲۰) علم الشعر

(۲۱) علم تشریح (ص ۳۲۶)

فروع الهی:

مصحفی چهار تا فروع الهی بیان کرده است-

۱. بحث نبوت اعجاز و کرامات

۲. امامت و خلافت

۳. معاد

۴. سعادت و شقاوت (ص ۳۲۶)

فروغ طبیعی:

۱. علم طب

۲. علم ادویه و اغذیه

۳. خواص الاحجاز

۴. خواص الحيوان

۵. خواص الانسان

۶. علم اقالیم

۷. علم تواریخ

۸. علم حبل

۹. معرفت الجواهر

۱۰. علم فراست (آن را علم قیافه نیز می گویند)

۱۱. علم ذم و مدح

۱۲. علم نقل روح

۱۳. علم سحر

۱۴. علم افسون

۱۵. علم شکون و فعال

۱۶. علم شانه بینی

۱۷. علم نجوم و احکام آن

۱۸. علم نظر

۱۹. علم رمل

۲۰. علم مباشرت

۲۱. علم حروف

۲۲. علم زینت

۲۳. علم زراحت

۲۴. علم فلاح (باغبانی)

۲۵. علم طباحت (یعنی طعام پختن)

۲۶. علم دواسازی

۲۷. کیمیا و صنعت اکسر

۲۸. آتش بازی (ص ۳۲۶)

بعد از انواع علوم مصحفی دوازده تا محسنات شعر و مهجنات شاعران بیان کرده

است-

نسب نامه مصحفی:

در صفحه ۳۲۶ آخر مصحفی آغاز نسب نامه و احوال خانواده و خودش کرده است- درباره جد خود اطلاعات زیادی داده و مقبره شیخ نظام را در موضع اکبر پور گفته است می گوید:

"شیخ نظام که هنوز مقبره سنگین او در موضع اکبر پور که آب و هوای خوش دارد

متصل کناره آب چمن واقع شده" (ص ۳۲۷)

چهار تا برادر خود گفته که ذکر آن ها در مقدمه معرفی مصحفی کرده است و سپس

در آخر صفحه ۳۲۷ درباره زندگی ازدواج و عشق خود گفته است- ذکر آن به تفصیل در

معرفی مصحفی ما کرده ایم- آغاز صفحه ۳۲۸ مصحفی در علم و فضل خویش گفته است:

خدای تعالی مرا در خاندان خویش دولت علم و فضل و نظم نثر شعر و شاعری

کماحقه کرامت کرده با وصف کم تعلی و عیب هزال شهرت نام من از مشرق تا مغرب در

زندگی من شده و امیر و امیر زاده ها همین سبب عزت من می کنند- اگرچه من کار بی

غیرتی می کنم که شعر فاسقانه می گویم اما چون جوهر عرفان هم در قلب خود دارم از

این جهت کلام من مقبول طبایع بزرگان روزگار افتاده (ص ۲۳۸) شعر عربی براین صفحه

هم وجود دارند-

انواع عبارت:

انواع عبارت زندانه و عامیه گفته است و چند تا خاصانه، مشایخانه، صوفیانه، عالمانه

و فاضلان، حکیمان، شاعرانه، منشیانه، طبیبانه، مصنع، مغلق، صاف و روان، رزمیه، بزمیه،

عاشقانه، محبوبانه فارسی نام برده است-

قاعده های تذکیر و تانیث عربی خلاصه العروض (ص ۳۲۸-۳۲۹)

مسئله تناسخ:

در این مسئله درباره روح فاسق و جاهل بحث کرده گفته است که این مسئله بسیار

نازک است به فهم هرکس نمی آید- (ص ۳۲۹)

درباره اجسام مختلف، احوال موت و حیات، عالم، ذات باری تعالی هم گفته است-

بحث حرف روی و علم قافیه (ص ۳۲۹)

علم حکمت و منطق:

او می گوید حکمت عملی و نظری بر سه نوع است-

۱. علم تهذیب الاخلاق

۲. تدبیر منزل

۳. سیاست مدینه (۳۲۹-۳۳۰)

علم ریاضی: (ص ۳۳۰)

خطبه نشاط باغ (ص ۳۳۱)

در وصف دکان تنبولی (ص ۳۳۱-۳۳۲)

مترادفات فارسی و اردو (ص ۳۳۳)

در بیان رساله پنج عیب شرعی:

درباره این پنج عیب گفته است: عارف آن را چنین تقریر می کنند، بدان که خون ریختن از قسم دی حیات و مال مردم به دغا و فریب دزدی خوردن و برزن و دختر مردمان به زبردستی و نارضامندی قادر شدن گناه کبیره است و قمار باختن و شراب خوردن گناه صغیره است --- (ص ۳۳۳)

تصوف:

در این موضوع مصحفی در خوردن بیع لحوم، انگشتر طلا و نقره در دست کردن، لباس فاخره و نفیس پوشیدن ارائه های نزد عارفین بیان نموده است و چند تا کتاب تصوف فارسی ذکر کرده است --- (ص ۳۳۳)

درباره عقاید مذهبی:

۱. طعام خوراندن گرسنگان

۲. لباس پوشاندن برهنگان

۳. تنهایی بر خلاف مجلس آرای

۴. دور ماندن از فتنه و فساد (ص ۳۳۳-۳۳۴)

تعریف عروض و اقسام آن (ص ۳۳۴)

کلمه و منصب کلام (ص ۳۳۴)

مکاتیب و رقع جات به طور ملا ظهوری (یک پادشاه به پادشاه دیگر نوشته

اند) (ص ۳۳۷-۳۳۸)

درباره علم و هنر شعر عربی (ص ۳۳۷-۳۳۸)

اقسام عقل (ص ۳۳۸)

رقعه به مولوی مظهر علی سلمه الله تعالی نوشته شد (ص ۳۳۹)

درباره تحصیل علوم عربی (ص ۳۳۹) بعد از این یک غزل عربی وجود دارد-

طریق نامه که پادشاه به پادشاه می نویسد: نمونه خط (ص ۳۳۹-۳۴۱)

نامه جنگار روم به والی هندوستان (ص ۳۴۰)

یک نامه به ستایش خودش:

مصحفی گفته است:

مصحفی شاعر فصیحیست که تا امراء القیس به حلقه شاگردانش زانوی ادب ته نکرده به چار پایش فضل و کمال مربع نشسته و تا اعی به حاشیه مستفیدانش خرد کشی نموده از عهده کلیات جواهر خمسه نه برآمده طبعی را با طبعش ربطسیت روحانی --- (ص ۳۴۲)

صغری و کبری علم منطق (ص ۳۴۲)

روح تحقیق، جلد ۳، شماره ۲، مسلسل شماره: ۱۰، اکتوبر-دسمبر ۲۰۲۵ء

نظم مفتی غلام حضرت:

یعنی قطعه که از پیوستن نخستین و آخرین حرف هر مصرع نام مفتی غلام حضرت به دست می آید (ص ۳۴۲)

ناقص مثنوی مادهونل:

در بحر مثنوی نل و دمن نوشته شده است (ص ۳۴۲)

نثر هفت تصویر:

در آن به واژگان هفت تصویرهای محبوب آشکار می کند (ص ۳۴۳-۳۴۹). درباره اهل تشیع، حضرت عایشه که زوجه محبوبه حضرت محمد (ص) ذکر کرده است (ص ۳۴۹). مصحفی اقسام الزام شش تا شمرده است-

۱. الزام خفیف

۲. الزام طرف

۳. الزام محتمل

۴. غلیظ

۵. ثقیل

۶. سهو (ص ۳۳۹)

درباره ستایش ستارگان و تاریکی شب (ص ۳۴۹)

یک تعویز با (۳۶) حروف ترتیب داده است هر کجا بخوانید فصل علی به

دست می آید- اسم آن هم فضل علی است (ص ۳۴۹)

یک صفحه حکایات بعد از آن متن شاید افتاده شده است (ص ۳۵۰)

تصویر اول که چون ماه چهارده به کمال حسن و خوبی در چادر سپید سیماب گون

شده پای خود را پچیده از غایت نارو تمکین آهسته آهسته قدم برفتار می گشاد (ص ۳۵۱)

تصویر دوم که در کمال و شوخی و بی باکی--- (ص ۳۵۲)

تصویر سوم (کذا) دل ملایک را بی تحریک غنج و دلال بی حرکت می آورد و چهار

سوی شوخی و حیا تیرس تمام خرامان بود (ص ۳۵۳)

تصویر چهارم که دیرمان مدکشی و بالیدگی اعضاء--- چهره پرده برافکنده از سر

بازار می گشت (ص ۳۵۳)

تصویر پنجم زن حسن گرفته (ص ۳۵۴)

تتمه مجمع الفوائد (به میان نسخه خطی آمده است جلد بندی درست نیست)

حکایات که در تقلید گلستان سعدی نوشته شده اند، چند تا نام باب در اوراق چاپ

به دست می آید-

باب دوم در فضیلت حیوان و انسان (ص ۳۵۷-۳۶۱)

• در فضیلت شیر

• در فضیلت گاو

• در فضیلت اسب

ذکر درباره عقرب، مور، مگس، ماهی هم دیده می شود-

- در فضیلت زاغ
- در فضیلت هدهد
- در فضیلت ابابیل
- در فضیلت پروانه
- در فضیلت بلبل
- در فضیلت طوطی
- در فضیلت شارک یعنی مینا
- در فضیلت دیگ
- در فضیلت لعل
- در فضیلت گرگ
- در فضیلت چلیپاسه
- در فضیلت زلو

باب سوم در فضیلت انسان (به وسیله حکایات فضیلت انسان شمرده است) (ص ۳۶۱)

من کشکول حکمت (ص ۳۶۱-۳۶۸)

باب چهارم در عزت (ص ۳۶۸-۳۷۰)

فصل زور آوران (ص ۳۷۰-۳۷۷) (۷)

مجمع الفوائد باوجود این که مجموعه ای از اشعار و نثرهای پراکنده است، از احوال و مطالعات مصحفی اهمیت زیادی دارد- نسب نامه و احوال خانواده مصحفی نخستین دفعه این جا آمده اند- در نامه ای که در ستایش خود نوشته شده، اطلاعات مفیدی در مورد جرات و مصحفی آشکار می شود- در حکایت این مجموعه، معرکه ای بین انشاء و مصحفی در سال ۱۲۱۰ ق بود، شرح داده است- این حکایت دیدگاه مصحفی روشن می کند و این حدیث هم معلوم می شود که انشاء پس از جمع آوری مردمان و کنیزهای بازاری، مثل لشکری، هجو خواننده، ناگهان به خانه مصحفی فرستاده شد- (ص ۳۷۰)

مصحفی بر زبان فارسی قدرت داشت از نثر مجمع الفوائد قادر البیانی و فصاحت و بلاغت و دانش فارسی وی روشن می شود- بالخصوص نثر فارسی "نامه و رقع جات به طور ملا ظهوری" (ص ۳۳۵-۳۳۷) نمونه نامه که پادشاه به پادشاه دیگر نوشته شد (ص ۳۳۹-۳۴۱) و "در وصف دکان تنبولی" (ص ۳۳۱-۳۳۲) آمده اند- (۸)

مجمع الفوائد علم و فضل مصحفی را بیان می کند- عکس مزاج مصحفی از مجمع الفوائد آشکار می شود و تصانیف و تالیفات که ذکرش در ریاض الفصحا آمده است، به عنوان مثال مصحفی درباره علم و عروض یک تصنیف مختصر خلاصه العروض نوشته شد (ریاض الفصحا، ص ۲۸۷) این مجمع الفوائد به صورت منتشر و ناتمام وجود دارد (ص ۳۲۹) مصحفی یک ساله دیگر مفید الشعرا نوشته بود این هم در مجمع الفوائد شامل است-

۱. این نسخه خطی با بسم الله آغاز نموده است-

۲. خط نسخه خطی نستعلیق شایسته و ساده است-

۳. به جای "گ" نویسنده همیشه "ک" می نویسد-

۴. در بعضی جاها نسخه خسته بود و بر آن پارہ های کاغذ چسپیده شده است و چند تا واژگان زیر پارہ های کاغذ پوشیده اند، اما سعی کردم کہ آن واژگان را خوانده و درست نوشتم۔
۵. بہ قلم قرمز سرخی های نسخه داده است۔ آن را در متن درشت نوشته است۔
۶. مجموعہ نظم و نثر است، "ب" را با فعل پیوستہ و با اسم و ضمیر علیحدہ نوشتہ شدہ است۔
۷. درباره کتاب و جاها و شخصیت های مهم توضیح در حواشی و تعلیقات داده شدہ است۔
۸. متن عربی با حروف درشت نوشتہ شدہ است
۹. پاراگراف ها ایجاد شدہ اند۔
۱۰. رسالہ های مختلف کہ شامل در این نسخہ اند بہ متن درشت نشانہ داده شدہ است۔



کتاب شناسی

- (۱) مصحفی، تذکرہ ہندی، بہ کوشش مولوی عبدالحق، (اورنگ آباد - دکن انجمن ترقی اردو، جامع برقی پریس، ۱۹۳۳م)، ۲۴۷۔
- (۲) رام بابو سکینہ، تاریخ ادب اردو، (لاہور: سیونثہ سکایی پبلی کیشنز، ۲۰۱۴م)، ۱۸۔
- (۳) مصحفی، مجمع الفوائد (قلمی)، (لاہور: مخزنہ کتابخانہ دانشگاه پنجاب، ذخیرہ کیفی، ۱۲۲۹ق)، ۳۲۳۔
- (۴) مصحفی، تذکرہ ریاض الفصحاء، بہ کوشش مولوی عبدالحق، (اورنگ آباد (دکن)، دہلی: انجمن ترقی ادب اردو، جامع برقی پریس، ۱۹۳۴م)، ۲۸۶۔
- (۵) مصحفی، مجمع الفوائد (قلمی)، (لاہور: مخزنہ کتابخانہ دانشگاه پنجاب، ذخیرہ کیفی، ۱۲۲۹ق)، ۳۲۷۔
- (۶) جمیل جالبی، تاریخ ادب اردو، جلد سوم، باب چہارم، (لاہور: مجلس ترقی ادب، ۲۰۰۶م)، ۲۱۱۔
- (۷) مصحفی، مجمع الفوائد (قلمی)، (لاہور: مخزنہ کتابخانہ دانشگاه پنجاب، ذخیرہ کیفی، ۱۲۲۹ق)، ص ۳۲۳-۳۷۷۔
- (۷) جمیل جالبی، تاریخ ادب اردو، ۲۱۲-۲۱۳۔

Bibliography

- (1) Mushafi, *Tazkira-e-Hindi*, (edi.) Abdul Haq, (Orang Abad: Anjuman-e-Taraki, Urdu Adab, 1933), p.247.
- (2) Babu Sakina, Ram, *Tareekh-e-Adab Urdu*, (Lahore: Siunath Sakai publications, 2014), p.18.
- (3) Mushafi, *Majama-ul-Fawaid* (Manuscript), (Lahore: Punjab University, 1229), p.323.
- (4) Mushafi, *Riyaz-ul-Fusaha*, (edi.) Abdul Haq, (Orang Abad: Anjuman-e-Taraki, Urdu Adab, 1934), p.286.
- (5) Mushafi, *Majama-ul-Fawaid* (Manuscript), (Lahore: Punjab University, 1229), p.327.
- (6) Jalbi, *Jameel, Tareekh-e-Adab Urdu*, (Lahore: Majlis-e-Taraqi-e-Adab, Urdu, 2006), vol:3, p.211.
- (7) Mushafi, *Majama-ul-Fawaid* (Manuscript), (Lahore: Punjab University, 1229), p.323-377.
- (8) Jalbi, *Jameel, Tareekh-e-Adab Urdu*, (Lahore: Majlis-e-Taraqi-e-Adab, Urdu, 2006), vol:3, p.212-213.

